

## تریبون‌ها علیه دولت پزشکیان روشن می‌شود

# حمله به «موافقان رفع فیلترینگ» از چند جبهه

صفحه ۲



روزانه ۱۷۰۰ نفر برای نزاع به پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند

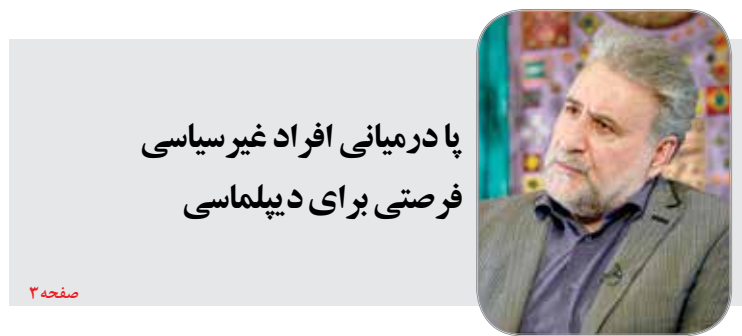
## یک آینده پرابهام در ایران

صفحه ۴



انتقاد تند اوکراین از صدراعظم آلمان

صفحه ۱۱



پا درمیانی افراد غیر سیاسی فرصتی برای دیپلماسی

صفحه ۲

## نیاز ۱۱۰۰ همتی برای

## افزایش کفایت سرمایه بانک‌ها

رئیس کل بانک مرکزی گفت: اگر بخواهیم کفایت سرمایه بانک‌ها را به هشت درصد برسانیم به ۱۱۰۰ همت سرمایه نیاز است. محمدرضا فرزین در همایش تأمین مالی از بنگاهداری به بنگاه‌سازی اظهار کرد: امروز با توجه به این که در شرایط جدید و دولت جدید قرار داریم باید برنامه‌های ویژه‌ای در راستای تأمین مالی فراهم شود. وی ادامه داد: از آنجایی که نرخ رشد هشت درصدی در برنامه هفتم توسعه هدف گذاری شده اما در سال‌های گذشته...

صفحه ۶

## بازار داغ شایعات

## درباره دیدار محرمانه نیویورک

گروه دیپلماسی - الهام یلمی: ادعای روزنامه نیویورک تأیید درباره ملاقات نماینده ارشد ایران در سازمان ملل با وزیر آینده آمریکا همانند یک بمب خبری به سر خط رسانه‌های جهان تبدیل شده است. اگرچه تهران پس از سکوت، این ملاقات را تکذیب کرد اما بازار شایعات و تحلیل‌ها درباره دیدار محرمانه نیویورک به شدت داغ شده است. نیویورک تأیید به نقل از دو مقام ایرانی موضوع دیدار ایلان ماسک و امیرسعید ایزرانی را بحث در مورد...

صفحه ۱۰

## بازجویی سخت

## مشاوران نتایهاو

همزمان با تغییرات در واشنگتن و پیروزی ترامپ، تحولات داخلی سرزمین اشغالی هم تغییر کرده است. نتایهاو اگرچه تا دیروز از پیروزی ترامپ ذوق داشت اما این روزها بحث درباره آتش بس، عدم کفایت و فشار به شخص نخست وزیر در داخل افزایش یافته است. شبکه ۱۲ تلویزیون اسرائیل اعلام کرد که دو نفر از مشاوران ارشد بنیامین نتایهاو نخست وزیر رژیم صهیونیستی این هفته به خاطر قضیه درز اطلاعات امنیتی به روزنامه بیلد آلمان تحت تحقیق و...

صفحه ۱۱

## یادداشت

### در حاشیه فاجعه فقدان دکتر داوودی

ابوالفضل فاتح

و ارتقاء فرهنگ عمومی و صیانت از کادر بهداشت و درمان را نباید کم اهمیت تلقی کرد. بسیاری از کاستی‌ها در جای دیگر است و از اختیار پزشک خارج است. برای بسیاری از دردها نیز درمانی وجود ندارد. پزشکان مسئول بیماری‌ها نیستند گرچه برای درمان و تخفیف آن می‌کوشند. خشونت و با خدایی ناکرده پزشک سبزی، فرهنگ نادرستی است که متأسفانه به دلایل رقابت‌های صنفی یا عدم شناخت دامن زده شده است و باید اصلاح شود. نمی‌توان علل همه مهاجرت‌ها را به این مسئله فروکاست، اما همین فرهنگ نادرست، مسبب بخشی از موج مهاجرت پزشکان است که هم خروج سرمایه انسانی و علمی و هم تنزل سرمایه ژنتیکی کشور است. در این گونه امور نیازمند فهم درست از مفهومی به تعبیر نگارنده به نام «گرش طبیبانه» هستیم. «گرش طبیبانه» یعنی نگاهی علمی و انسان محور و مبتنی بر پیشگیری، تشخیص، راه حل و درمان. درک درست از چنین نگرشی، رواداری و احترام به خدمات پزشکی را در جامعه نهادینه می‌کند و مانع از بسیاری از برخوردهای خشونت آمیز می‌شود و فراوانی را می‌گشاید.

نگرش طبیبانه هم علم است و هم فرهنگ و نگاهی است که اگر در سطوح مدیریتی و اجتماعی توسعه یابد به درک بهتری از مشکلات و راه حل‌های آن دست می‌یابیم. به وضوح سطوح مهمی از برنامهریزی و مدیریت کلان کشور دچار گرفتاری می‌شود. در سایه گسترش و تعمیق نگرش طبیبانه است که می‌توانیم به پهبودی و درمان بسیاری از مصائب کشور امیدوار باشیم.

جامعه پزشکان به واقع مرهم ترین مرهم‌ها بر آلام و زخم‌های مردمند. قاطبه پزشکان، با تعهد و تعلق به منزلت «نسان» و «جان» به این سکوت شریف وارد شده اند و حساب استثنائات جداست. این میزان فداکاری که از فلاح تا مرگ یکایک ما جاری و ساری است باید به رسمیت شناخته شده و مرجعیت و منزلت و احترام جامعه پزشکی از طریق سیستم قانون گذاری و تریبون‌های رسمی و عمومی بدرستی تثبیت شود. البته مهارت‌های ارتباطی پزشک با بیمار و خانواده بیماران نیز می‌تواند کمک باشد. از فداکاری احترام برانگیز جامعه پزشکی همان بس که بدانیم پزشکان از هوشمند ترین و توانمندترین اقشار مردمند. اگر ایشان در هر صف دیگری وارد می‌شدند، در قله موفقیت آن صف قرار می‌گرفتند و اینک بسیاری از ایشان در دورافتاده‌ترین مناطق و در طاق فرسا ترین شرایط مشغول ارائه بالاترین کیفیت‌ها هستند. علوم پزشکی و جامعه پزشکی از ریشه دارترین علوم و نهادهای دانش بنیان کشورند. پزشکان در طول تاریخ، مفاخر این سرزمین بوده اند و اینک نیز از سرآمدان جهانند. آسان بودن دسترسی به متخصص ترین پزشکان در کشور، موهبتی است که باید به شدت قدر دان آن بود. چیه بسا بسیاری از مردم عزیزمان نمی‌دانند که در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان، این سطح دسترسی برای ۸۰ درصد و وسایل نقلیه، نقص در طراحی مسیر، عوامل انسانی و عوامل محیطی مانند روشنایی مسیر نام برد. پر واضح است روشنایی محیطی معابر در روز از نور خورشید و در شب از روشنایی معابر تأمین می‌شود از این‌رو از جمله عوامل مهم و تاثیر گذار بر ایمنی ترده در شب را می‌توان به روشنایی معابر نام برد. هدف اصلی از ایجاد روشنایی در معابر، دستیابی

ضایعه فقدان دکتر مسعود داوودی، دل جامعه پزشکی کشور را به درد آورد. خدایش رحمت کند و ان شالله در این ایام مشمول شفاعت حضرت فاطمه زهرا(س) باشند. این فاجعه و محروم ساختن مردم از یک پزشک خدوم، خسارتی جبران ناپذیر است که در آمیختگی جهالت و شعلهور شدن یک انتقام کور پدید آمده است و البته نباید آن را به کلیت جامعه تعمیم داد. اکثریت مردم، قدر دان جامعه پزشکی هستند، به طبق آخرین تحقیقات علوم اجتماعی، خوشبختانه در بسیاری از معتمدترین اصناف کشورند. در این حال در یک جامعه هشتاد میلیون، هستند کسانی که در بیماران تبلیغات منفی، دچار ابهام می‌شوند، به ویژه اگر تولید ادبیات منفی از سوی رسانه‌های رسمی باشد، نمی‌توان پیغامدهای ناهنجار و خشونت ساز آن و همچنین تأثیر آن بر کاهش انگیزه‌های کادر درمان را کم اهمیت تلقی کرد. مداخله علیه کادر درمان، به هر میزان که باشد باید نسبت به آن نگران و حساس بود چرا که آثار آن متوجه کلان جامعه است. در جهان در برابر هر نوع خشونت نسبت به کادر درمان از خشونت زبانی تا فیزیکی حساسیت بسیار بالایی وجود دارد و چه در سطوح سیاست گذاری و چه اجرایی و تقنینی تدابیر فراوانی برای کاستن از آن اندیشیده می‌شود. ممکن است گفته شود، نمی‌توان خشم تک تک افراد جامعه را کنترل کرد. آری، اما می‌توان زمینه‌های آن را به حداقل رساند و حداقل از تبلیغات و القانات منفی، دوری جست و بهترین راه، تمکین به «قاعده احترام» است. درسایه قاعده احترام، همزیستی خویشاوند یک جامعه محقق می‌شود.

## یادداشت

### ایمنی تردد پایین در معابر با چراغ‌های خاموش

حسین قاسمی‌نژاد

می‌دهند و می‌توان گفت به طور میانگین عابرن پیاده سهم قابل توجهی را در این تصادفات دارا می‌باشند. از این‌رو عابرن پیاده را می‌توان یکی از کاربران آسیب‌پذیر نام برد که از جمله عوامل مؤثر بر تصادفات آنان را می‌توان به نقص در سامانه وسایل نقلیه، نقص در طراحی مسیر، عوامل انسانی و عوامل محیطی مانند روشنایی مسیر نام برد. پر واضح است روشنایی محیطی معابر در روز از نور خورشید و در شب از روشنایی معابر تأمین می‌شود از این‌رو از جمله عوامل مهم و تاثیر گذار بر ایمنی ترده در شب را می‌توان به روشنایی معابر نام برد. هدف اصلی از ایجاد روشنایی در معابر، دستیابی

مدتی از اجرای طرح خاموشی‌ها در سطح کشور می‌گذرد. در کنار خاموشی منازل و اماکن، خاموشی معابر نیز به اجرا گذاشته شده، طرحی که علاوه بر اینکه شب‌های روشن شهرها را در تاریکی فرو برده و شهر را برای حیات و زیست‌شبهانش برای پیاده‌روی شهروندان نامن کرده است. با توجه به حجم وسایل نقلیه و سرعت بالای ترده، دسترسی برای افزایش وقوع تصادفات نیز گردیده است. با توجه به آمارها، درصد بالایی از تصادفات در معابر بدون و برون شهری کشور مربوط به عابرن پیاده می‌باشد که یکی از مکان‌های خطرناک بروز تصادف برای این قریل کاربران، تقاطع‌ها هستند. به طوری که درصد بالایی از تصادفات در تقاطع‌ها رخ

با تأسیس این شرکت، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تغییر وضعیت بافت‌های فرسوده متمرکز شد و دولت برای تأمین اعتبارات مالی آن از بانک جهانی قرض گرفت. طی آن سال‌ها، قوانین جدیدی نیز تصویب شد. از جمله قانون «حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری»، «سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری»، «مختصن چارچوب جامع بازآفرینی شهری پایدار. در کشور به طور سنتی وقتی ۱۷ سال از عمر بنایی می‌گذشت آن را کلنگی می‌نامیدند و در مقررات ۲۵ سال ملاک قرار گرفته است.

در نتیجه از یک سو حجم عظیمی از سرمایه کشور صرف «بازسازی» بنایی می‌شود که تنها ۲۵ سال عمر دارد و از سوی دیگر، پیمانکار و بساز و فروش هم نیازی نمی‌بیند تا در زیبایی، استحکام و ایمنی بنایی سرمایه‌گذاری کند که قرار است چندسال دیگر خراب شود. این دوری باطل است که موجب هدر رفتن حجم بالایی از سرمایه ملی شده و وضعیتی را ایجاد می‌کند که در آن مردم به طور مداوم در محلات و منازلی زندگی می‌کنند که به سرعت فرسوده و ناکارآمد می‌شوند.

## یادداشت

### معمای بافت‌های فرسوده شهری

سیدعلیرضا کریمی

برای یک بافت فرسوده شهری. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا مداخله در محله‌هایی مانند دروازه غار به بهبود شرایط زندگی ساکنان منجر می‌شود یا با تخریب خانه‌ها و جابه‌جایی آنها، ارتباطات اجتماعی از بین خواهد رفت. پاسخ این سوال بستگی به نوع مداخله دارد؛ اگر مقصد از ساکنان کم درآمد توان ماندن نداشته باشند، اما اگر همراه با برنامه‌های حمایتی مانند اشتغال‌زایی و بهبود خدمات اجتماعی باشد، می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی ساکنان کمک کند. مداخله باید به نفع ساکنان فعلی باشد، نه اینکه آنها را حق مالکیت یا زندگی در محله خود محروم کند. برای درک عمیق‌تر از مفهوم بافت‌های فرسوده جادارد تا ابتدا نگاهی به گذشته آن داشته باشیم. به نظر می‌رسد استفاده از عبارت بافت فرسوده در ایران قرن ۲۰ ساله دارد. پیش از دهه هفتاد، از این اصطلاح استفاده نمی‌شد و کاربرد عبارت «بافت قدیمی یا کهنه» مرسوم‌تر بود. در دوران جنگ ایران و عراق، برنامه مدونی برای ترمیم یا نوسازی وجود نداشت و شهروندان بر پایه توان و امکانات خود با اخذ مجوز موروثی از شهرداری، ملک خود را مرمت می‌کردند. از سال ۶۷ به این سو، رویکرد جدیدی در پیش‌گرفته شد. ابتدا موضوع «بافت مسأله‌دار شهری» در قانون برنامه دوم توسعه کشور گنجانده شد. پس از آن، شهرداری‌ها برنامه نوسازی را تدوین کردند و سازمان نوسازی در شهرداری‌های بزرگ تأسیس شد. گام دیگر برای تغییر وضعیت بافت‌های فرسوده تأسیس «سازمان عمران و بهسازی شهری» زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی بود که اکنون نام خود را به «شرکت بازآفرینی شهری ایران» تغییر داده است.

با تأسیس این شرکت، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تغییر وضعیت بافت‌های فرسوده متمرکز شد و دولت برای تأمین اعتبارات مالی آن از بانک جهانی قرض گرفت. طی آن سال‌ها، قوانین جدیدی نیز تصویب شد. از جمله قانون «حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری»، «سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری»، «مختصن چارچوب جامع بازآفرینی شهری پایدار. در کشور به طور سنتی وقتی ۱۷ سال از عمر بنایی می‌گذشت آن را کلنگی می‌نامیدند و در مقررات ۲۵ سال ملاک قرار گرفته است.

در نتیجه از یک سو حجم عظیمی از سرمایه کشور صرف «بازسازی» بنایی می‌شود که تنها ۲۵ سال عمر دارد و از سوی دیگر، پیمانکار و بساز و فروش هم نیازی نمی‌بیند تا در زیبایی، استحکام و ایمنی بنایی سرمایه‌گذاری کند که قرار است چندسال دیگر خراب شود. این دوری باطل است که موجب هدر رفتن حجم بالایی از سرمایه ملی شده و وضعیتی را ایجاد می‌کند که در آن مردم به طور مداوم در محلات و منازلی زندگی می‌کنند که به سرعت فرسوده و ناکارآمد می‌شوند.

ادامه در صفحه ۴

میراث شهری) بافت‌هایی هستند که در محدوده قانونی قرار دارند و دارای مالکیت رسمی و قانونی‌اند اما از نظر برخورداری از ایمنی، استحکام و خدمات شهری دچار نقصان هستند. بافت‌های حاشیه‌ای (سکونتگاه‌های غیررسمی) بافت‌هایی هستند که بیشتر در حاشیه کلان شهرها قرار دارد و خارج از برنامه رسمی توسعه شکل گرفته‌اند. ساکنین این بافت‌ها را اغلب گروه‌های کم درآمد و مهاجران روستایی و تهی دست شهری تشکیل می‌دهند. طبق قانون نهادهای متولی نگهداری از میراث فرهنگی و تاریخی کشور موظفند تا فرسوده شود. ارزشمندی این بافت‌ها از قضا تا از بافت تاریخی نگهداری کرده و اجازه ندهند نشأت گرفته از قدمت آنان است. از این رو فرسوده شدن آنان به این مفهوم که باعث ریزش و از بین رفتن آن شود در واقع تقصیری است که متوجه متولیان آن است. تعبیر نوسازی نیز از جهاتی مبهم و پرسش برانگیز است. آیا این تعریف صرفاً مشمول ساختمان‌های نایم می‌شود یا ساختمان‌هایی که زمان زیادی از ساخت آن گذشته است.

به نوشته پایگاه تخصصی شهرسازی ایران طبق تعریف ماده ۲ طرح ساماندهی تهران، «راضی که بین خیابان‌های درجه ۳ و ۴ قرار بگیرند و از عمر ساختمان‌های آنها تا سال تهیه طرح که ۱۳۷۱ بوده است، ۲۵ سال بگذرد، فرسوده هستند. خیابان‌ها در شهرهای بزرگ معمولاً به چهار سطح اصلی تقسیم می‌شود: خیابان‌های درجه ۱ و ۲ شامل معابر مهم با تردد بالا هستند، در حالی که خیابان‌های درجه ۳ و ۴ به معابر فرعی و کوچکی می‌گردد. کم‌عرض‌تری گفته می‌شود که دسترسی محلی را فراهم می‌کند. اگر این ماده ملاک قرار گیرد با عنایت به این که اکثر خیابان‌های شهر تهران در این محدوده قرار دارند و خیابان‌های درجه ۳ و ۴ هستند و بناهایش نیز در آنها عصری بالای ۲۵ سال دارند، پس اکثر بافت شهری در تهران فرسوده است. گفته شده یکی از معروف‌ترین مناطق فرسوده شهری تهران محله «دروازه غار یا هرندی» است.

یک موسسه مردم نهاد که در این محله فعالیت می‌کند در تحقیقی نوشته است: «ساکنان این منطقه دارای درآمد سرانه‌ای کمتر از میانگین شهر هستند و نرخ بیکاری بالاتری را تجربه می‌کنند. واحدهای مسکونی در این محله کم دوام بوده و تراکم جمعیت در هر واحد مسکونی بالاتر از میانگین شهری است، همچنین، ساکنان با مشکلات زیست‌محیطی متعددی مواجه‌اند، دسترسی ساکنان به خدمات شهری و زیرساخت‌ها، از جمله خیابان‌ها و کوچه‌ها، به خوبی فراهم نیست و وضعیت این زیرساخت‌ها نامناسب است. در این محله نسبت به میانگین شهری بالاتر است و زمینه‌های بروز این ناهنجاری‌ها بیشتر مشهود است.

در نهایت، هویت تاریخی و فرهنگی این منطقه مورد بی‌توجهی قرار گرفته و شأن و منزلت اجتماعی ساکنان کاهش یافته است.» این موارد به گفته «موسسه نسیم صبح رویش» شاخص‌هایی است

بافت‌های شهری بسیاری در کشور وجود دارد که کیفیت ساخت و سباز، طراحی و زیربنا در آن پاسخگوی نیازهای ساکنین آن نیست، و گاه حتی ممکن است به دلیل مست بودن برای ساکنین آن خطرناک باشد. مسئولان به این گونه بافت‌های شهری، بافت فرسوده می‌گویند. به گفته مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران که زیر نظر وزارت راه و شهرسازی مجری پروژه‌های مربوط به بافت‌های فرسوده است، ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بنای فرسوده در محدوده بافت‌های فرسوده کشور شناسایی شده که تا ابتدای شهریور ۱۴۰۳، تنها ۳۰۵ هزار مورد آن نوسازی شده است. هر چند آمار دقیقی در دست نیست تا اساساً بتوان فهمید چند درصد از بافت شهری فرسوده تلقی می‌شود. به گفته شرکت بازآفرینی شهری مداخله در این بافت‌ها به سه روش بهسازی، نوسازی و بازسازی انجام می‌شود. این عبارات از نظر ماهیوی از یکدیگر تمایز دارند اما به کرات مشاهده شده که مترادف یکدیگر بکار می‌روند. از این‌رو خلط شدن این مفاهیم و بی‌دقتی در کاربرد آن با هم در مقام عمل ممکن است به تصمیماتی بینجامد که طی آن یک بافت تاریخی به جای مرمت، تخریب و بازسازی شود. اتفاقی که برای بافت تاریخی شیراز در مجاور ترحم شاهچراغ افتاد یا بازار تاریخی تبریز که پس از آتش‌سوزی به جای مرمت، تخریب و بازسازی شد.

بهرسازی به معنای حفظ و تقویت ساختارهای موجود با هدف بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و زیست محیطی است، بدون آنکه هویت اصلی و گذشته بافت از بین برود. در این روش، تمرکز بر حفظ هویت تاریخی و فرهنگی است و تغییرات جزئی به منظور بهبود کیفیت زندگی اعمال می‌شود، مانند مرمت بناهای تاریخی یا تقویت زیرساخت‌های شهری. نوسازی به معنای ایجاد تغییرات و اصلاحات در ساختارهای موجود است تا بنا با نیازهای روز و استانداردهای جدید سازگار و در عین حال هویت اولیه بنا حفظ شود. در این روش ممکن است بنا از داخل به طور کامل مدرن، در عین حال ظاهر سنتی آن حفظ شود.

بازسازی به معنای تخریب کامل بنای فرسوده و ایجاد بافت جدید در همان مکان است. در این روش هیچ الزامی برای حفظ عناصر گذشته وجود ندارد و معمولاً در مناطقی به کار می‌رود که به شدت فرسوده شده و نیاز به تغییر کامل دارد. اما اساساً بافت فرسوده چیست و چرا مسئله دار می‌شود؟ چه نهادی متولی آن هستند و چه اقداماتی انجام می‌دهند تا بافت فرسوده در صورت امکان از فرسودگی درآید و دیگر فرسوده نشود؟ شورای عالی شهرسازی و معماری بافت‌های فرسوده را به سه دسته تقسیم کرده است. بافت‌های دارای میراث شهری بافت‌هایی در برگیرنده آثار بجای مانده از گذشته و جایگزین ناپذیری هستند که بخشی از هویت فرهنگی آن شهر است.

این آثار یا به ثبت آثار ملی رسیده‌اند و یا در فهرست میراث‌های با ارزش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قرار می‌گیرند. بافت‌های شهری (فاقد